

■ شنبه ۲۱ شهریور ۱۴۰۲
 ■ ۲۶ صفر ۱۴۴۵
 ■ سال سی و یکم
 ■ شماره ۸۸۸۵

همشهری



داشتن و نداشتن

سینمای ایران در طول این سال‌ها چه نسبتی با مردم برقرار کرده است؟

تصور رایج از دل آنچه به تحقیر فیلمفارسی نامیده شد، فیلم‌های متنوعی با نیت جذب تماشاگر ساخته شدند؛ فیلم‌هایی که سازندگانشان بیش از هر چیز به موفقیت تجاری اندیشیدند و با این نیت وارد عرصه شدند.

موج نوی سینمای ایران از انتهای دهه ۴۰ بسا «قیصر» و «گاو» اعلام موجودیت کرد. این پیروزی بر بقایای شکست سینمای روشنفکری نیمه اول دهه ۴۰ بنا شده بود. موج نو، خون تازه‌ای در رگ‌های سینمای ایران جاری کرد و نسلی تازه‌نفس و خوش‌فریحه را به میدان آورد که سینمای ایران هنوز هم تحت‌تأثیرش است. موج نو از همان ابتدا در شاخه مجزا و ۲-خاستگاه کاملاً متفاوت شکل گرفت: ۱- سینمای جریان اصلی که محصول بخش خصوصی بود. ۲- سینمای روشنفکری که از سرمایه دولتی ارتزاق می‌کرد.

به این ترتیب قیصر کیمیایی و گاو مهرجویی از ۲خاستگاه متفاوت و در حسن تصادفی تاریخی به یکدیگر رسیدند و جریان ساز شدند. با موج نو، ناصر تقوایی، بهرام بیضایی، امیر نادری، علی حاتمی، سهراب شهید ثالث، بهمن فرمان‌آرا، پرویز کیمیایی، فریدون گله، خسرو هریتاش، هژیر داریوش، عباس کیارستمی به میدان آمدند. این همان سینمایی بود که در آن سایماک یاسمی، امان منطقی، امیر شروان و رضا صفایی هم فیلم می‌ساختند. از سال ۴۸به بعد نهادهایی چون وزارت فرهنگ و هنر، کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان، تل فیلم (تلویزیون) و شرکت گسترش صنایع سینمای ایران، متولی سینمای روشنفکری بودند. طبق متفاوت شکل گرفت: ۱- سینمای جریان اصلی غیرمستقیم دولتی ساخته می‌شد و بالای ۹۰درصد فیلم‌ها، محصول بخش خصوصی بود.

سینمای قبل از انقلاب در مواجهه با وار دات بی‌ضابطه فیلم خارجی تا مرز نابودی پیش رفت.

داستان سینمای پس از انقلاب، نه از ۲ سال ۱۳۵۸ که از سال ۱۳۶۲ آغاز می‌شود. فاصله سال‌های ۱۳۵۸ تا ۱۳۶۲ دوران بلاتکلیفی سینمای ایران است. داستان اصلی از سال ۱۳۶۲ و با تأسیس بنیاد سینمایی فارابی آغاز می‌شود. سینمای هدایتی - حمایتی دهه ۶۰، با حضور پررنگ دولت شکل گرفت و همه آنچه در سال‌های بعد رخ داد محصول همین حضور دولتی بود؛ حضوری برای تولد سینمای پس از انقلاب سینمای نوین ایران که جشنواره‌های خارجی رافتح کرد و سینمای تجارته‌ای که مردم را به سالن‌ها آورد. از «خانه دوست کجاست؟» و «آن سوی آتش» تا «عقاب‌ها» و «تاراج» و

البته سینمای میانه‌ای که فیلمی چون «آجره نشین‌ها» آن را نمایندگی می‌کرد. سینمای برخاسته از دل حمایت‌های دولت، به مرور به این حمایت عادت کرد و در سال‌های بعد و به تدریج ارتباطش با تماشاگر کمرنگ شد. به شهادت آمار از دهه ۷۰ ایران سیری نزولی داشته است. این داستان سینمایی است که در دهه‌های بعد، روش‌هایی برای بقا یافت که در جلب نظر مردم بی‌نیاز می‌کرد. سینمایی که در این سال‌ها، بازار تولیدش بسیار پررنگ‌تر از اکثرش بوده است. رابطه مردم با سینمای ایران حالا به‌صورتی درآمده که هزار گاهی فیلمی روی پرده می‌آید و فروشی می‌کند، مثل فیلم «فسیل» که این روزها رکورد گیشه را جابه‌جا کرده است.

زود است سینما فسیل شود

گفت‌وگو با رئیس انجمن سینماداران به بهانه روز ملی سینما

کسانی هستند که سالیان سال در سینماها بودند، اما حالا نمی‌توانند سالن‌های سینما و تجهیزاتی را به سبب تورم زیاد، نجات دهند؛ سالن‌های نوبست‌اویکی که تبدیل به ویرانه شدند و خاطر انشان در عکس‌ها باقی مانده است. متأسفانه در تهران و دیگر شهرها که بهترین سالن‌ها را داشتند، این سالن‌ها تعطیل شدند و کسی به فکر شان نیست و صاحبانشان نیز توانایی ساخت‌وساز و احیای این سالن‌ها را ندارند.»

وقتی برای عقاب‌ها صف کشیدند

اشرفی در ادامه به پر فروش‌های آن زمان اشاره می‌کند؛ فیلم‌هایی چون «عقاب‌ها» ساموئل خاچیکیان یا «شهر موش‌ها»... که خاطرات خوشی را برای سینماداران تداعی می‌کند. وی می‌گوید که همه تلاشش را کرده تا بتواند ماندانا را حفظ کند و آن را با تجهیزات روز زنده نگه دارد، اما اذعان دارد که با این تورم اداره یک سینما با این تعداد کم تماشاگر خیلی سخت است.

مردم، چراغ سینما را روشن نگه داشته‌اند

اما اشرفی معتقد است که در همین سال‌ها مردم هستند که چراغ سالن‌های سینما را روشن نگه داشته‌اند. او معتقد است عوامل اجتماعی تأثیر مستقیمی بر اقبال مردم به سینما دارد. وقتی مردم در آرامش باشند بیشتر به مسائل فرهنگی فکر می‌کنند مسائل فرهنگی و هنری تنها شامل سینما نیست سید فرهنگی خانواده در اولویت قرار می‌گیرد.

اشرفی در ادامه توضیح می‌دهد: «در حال حاضر از ابتدای سال ۲ فیلم کم‌دی توانسته گیشه را نجات دهد و اگر این دو

فیلم نبودند، سینماها فروش خوبی نداشتند. سینمای ما در برهه‌های مختلف با فیلم‌هایی روبه‌روست که گاه مخاطب دارد و گاه ندارد. موافق این نیستم که فیلم‌های طنز و کمدی به‌تنهایی می‌توانند گیشه را نجات دهند. در سال‌هایی سینمای اجتماعی ما پر مخاطب بود و گاهی فیلم‌های خانوادگی و حتی پلیسی طرفداران زیادی داشتند.»

سینمای ما تک‌محصولی است

این سینمادار در ادامه به طیف‌های مختلف اشاره می‌کند و می‌گوید: «در کشور ما سینما تک‌محصول است و ما از این موضوع ضربه می‌بینیم تنها کشوری هستیم که اگران فیلم خارجی نداریم، در حالی که طیفی از مردم دوست دارند فیلم‌های پرورز دنیا را در سینما تماشا کنند.»

ترین‌ها



پرتماشاگرترین فیلم: عقاب‌ها

۱۰ میلیون و ۶۰۰ هزار تماشاگر

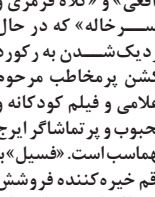
فیلم جنگی ساموئل خاچیکیان با بازی سعید راد و جمشید هاشم‌پور از ۱۱۲ارد بهشت ۱۳۶۴ روی پرده سینماهای تهران آمد و از همان روزهای اول مشخص شد که پر فروش می‌شود؛ هرچند کسی نتوانست حدس بزند که «عقاب‌ها» پر تماشاگرترین فیلم تاریخ سینمای ایران خواهد شد. فیلم تا پایان دهه ۶۰ بیش از ۸ میلیون تماشاگر داشت و این رقم در سال ۱۳۸۴ به بسالای ۱۰ میلیون مخاطب رسید؛ رقمی دست‌نیافتنی و رکوردی غیرقابل شکستن که هیچ فیلمی به‌گرددش نخواهد رسید؛ فیلمی که بیشتر تماشاگران‌ش را از میان مخاطبان سینماهای درجه ۲ و ۳ تهران و شهرستان یافته است؛ با ارزان ترن بلیت و در سالن‌هایی که فاصله‌بعیدی از پردیس‌های مدرن فعلی داشتند.



پر فروشترین فیلم: فسیل

۲۵۵ میلیارد تومان فروش

کمدی عامه‌پسند کریم امینی و محصولی از عامریان فیلم، به‌عنوان موفق‌ترین دفتر فیلمسازی این سال‌ها، پر فروش‌ترین فیلم تاریخ سینمای ایران است. «فسیل» همچنان در حال جابه‌جا کردن رکورد گیشه است و به لحاظ جذب تماشاگر هم جایگاه جالب‌توجهی دارد. پنجمین فیلم پر تماشاگر سینمای پس از انقلاب، بعد از «عقاب‌ها»، «کالی‌مانگا»، «فغی» و «کلاه قرمزی و پسرخاله» که در حال نزدیک‌شدن به رکورد «فغی» و «کلاه قرمزی و اعلا می» و فیلم کوه‌گانه و محبوب پر تماشاگر «فسیل» است. «فسیل» رقم خیره‌کننده فروشش احتمالاً تا مدت‌ها عنوان پر فروش‌ترین فیلم تاریخ سینمای ایران را در اختیار خواهد داشت. رکوردی که احتمالاً بسا بالاترین پهای بلیت سینما در سال‌های آتی شکسته خواهد شد.



گزارش شبنم عرفی نژاد روزنامه‌نگار

یادای از

سینماهای لاله‌زار



ناصرالدین شاه قاجار در سال ۱۲۵۲ خورشیدی برای نخستین بار و به‌عنوان نخستین شاه ایران به اروپا سفر کرد. یکی از نتایج سفر او تبدیل باغ لاله‌زار به خیابانی بود که بعدها مدرن‌ترین خیابان تهران شد؛ خیابانی با نخستین کافه‌ها، تماشاخانه‌ها و سینماهای تهران. باغ لاله‌زار به دستور فتحعلی‌شاه قاجار و بیرون از حصار طهماسبی ساخته شده بود و محلی بود برای تفریح شاه و گاه سکونت‌های مهمان‌های بلندپایه خارجی از جمله هیأت اعزامی ناپلئون بناپارت. لاله‌زار با الهام از خیابان شانزه‌لیزه در وسط باغ لاله‌زار ساخته می‌شود.

به‌زودی پارکی در این خیابان ساخته می‌شود و در کنار آن مغازه‌هایی باجناس لوکس شروع به کار و ثروتمندان پایتخت از آنها خرید می‌کنند. به‌تدریج در لاله‌زار تماشاخانه‌ها و بعدتر نخستین سینماهای تهران ساخته می‌شوند. در روز ملی سینما نگاهی داریم به سینماهایی که ساخته شدند، کار کردند و امروز فقط مخروبه‌ای از آنها مانده‌است در خیابانی که قبرستان سینماها لقب گرفته‌است.

سینماالکترادی اکراف

یکی از اولین سینماهای لاله‌زار، سینمایی است در عمارت و جایخانه فاروس در خیابان لاله‌زار که مهدی‌خان روسی آن را تأسیس کرد. اعلان افتتاح این سینما در ۹شعبان ۱۳۳۷ قمری در روزنامه ایران نو به این شکل منتشر می‌شود: «تماشاخانه الکترادی اکراف مسیو بومر و روسی‌خان در خیابان لاله‌زار در عمارت فاروس همه شب‌از اول مغرب دایر است و هر ۴ شب به ۴ شب پرگرم تجدید می‌شود و بعدها هم در این روزنامه شریف پرگرام‌های تماشاخانه همه‌وقت درج خواهد شد.»

سینماعالی

اردیبهشت ۱۲۹۵ خورشیدی سینمای عالی در لاله‌زار شروع به کار می‌کند. متن اعلان افتتاح سینمای عالی در خیابان لاله‌زار (پارتمان باقراق، صاحب «گراند هتل») در روزنامه رعد اینظور خبر می‌دهد: «طبق وعده که به آقایان محترم داده بودیم اینک به وعده خود وفا نموده و به‌تازگی سینمای تازه جنگی بین‌المللی دنیا به‌اضافه پرده‌های درام و کومدی وارد شده و به‌همین نزدیکی به‌توسط اعلان جدید وقت نمایش را اعلام خواهیم کرد.»

سینما ایران

یک سال بعد از سینما عالی، سینما ایران در روز دوشنبه ۲۷فروردین ۱۲۹۶ خورشیدی توسط سیدحسین، مدیر مهمانخانه ایران، در خانه ناظم‌السلطنه افتتاح می‌شود. در اعلاتی با امضای سیدحسین، خبر افتتاح این سینما منتشر شده است: «مهمانخانه ایران خواطر محترم آقایان را مستحضر می‌دارد که کارکنان این تأسیس ملی پس از تهیه انواع خوراک و بوفه... برحسب دستورهای صحی برای تفریح آقایان محترم از لیله سه‌شنبه ۲۴شهر جاری (امشب) پرده‌های بلیت سینما در سال‌های آتی شکسته خواهد شد.»

سینما ایران متعلق به آرنولد یاکوسون و الکساندر لوین بود. آنها همسراه امیل زورکوف، اسحاق قزلباش زنجانی و علی و کیلی، شرکت سهامی ایران را تأسیس کردند و این شرکت از طریق اجاره یا تأسیس چند سینمای دیگر از جمله سینما ملی (سینما نادر فعلی واقع در لاله‌زار، کوچه ملی، باربد فعلی)، «میهن» (میدان حسن آباد)، «هور» (بالتر از پل امیریهادر) و «خبابر» (لاله‌زار، پاساژ زاقمنش) به‌کار نمایش فیلم در تهران پرداخت. بعد از به‌قتل رسیدن الکساندر لوین، دوست و شریک آرنولد یاکوسون، در ۱۲تیر ۱۳۱۶ در مقابل سینما ایران، یاکوسون با شرکای دیگرش محلی را که مدتی تئاتر دائمی نکسیا متعلق به ارباب افلاطون شاهرخ بود، در اختیاری می‌گیرند و بعد با خریدن خانه‌های آقای دکتر نژدری و دکتر گوهر خاکپور و تخریب آنها، سینمای فعلی ایران را در سوم اسفند ۱۳۱۹ افتتاح می‌کنند.

سینما متروپل

متروپل یکی از معروف‌ترین سینماهای لاله‌زار بود. ساخت ساختمان سینما متروپل را شرکت متروپل در شهریورماه ۱۳۳۱ با معماری وارطان هوانسیان آغاز کرد. هوانسیان که از معماران نوگرای آن دوره‌است پیش از آن هم ساختمان جیب، هتل لاله در لاله‌زار و سینما دیانا را ساخته بود که امروز با نام سپیده در خیابان انقلاب فعال است.

۶ سینما در یک کوچه

در کوچه باربد در لاله‌زار تا دهه‌های پیش ۶ سینما فعال بودند؛ نادر، شهرزاد، جهان، مترو، اطلس و فردوسی.

همه این سالن‌ها هم تماشاگر داشتند و این یعنی مخاطب بود و این نشان می‌دهد که سینما و فیلم فرهادی چه‌مره محبوب طبقه متوسط شهری بود و فیلم‌هایش در داخل و خارج با استقبال مواجه می‌شد.

سینما تهران، دهه ۷۰، عکس هاشم‌پور

سینما آزادی سال ۱۳۳۳، «کلاه قرمزی» و «پسرخاله» عکس عزیزستانی



پرافتخارترین فیلم

جدایی نادر از سیمین

برنده اسکار، گلدن گلوب خرس طلایی برلین و سیمرغ بلورین فجر پنجمین سینمای اصغر فرهادی و نقطه اوج کارنامه سینمایی افتخارات ممکن را به‌دست آورده و بسا کسب انبوه جوایز داخلی و خارجی، بافاصله، پرافتخارترین فیلم تاریخ سینمای ایران است؛ فیلمی هم‌زمان جشنواره‌های فیلم فجر و جشنواره برلین، جایزه گرفت و پس از نمایشش تعداد قابل‌توجهی جشنواره خارجی در نهایت هم‌جایزه گلدن گلوب را برد و هم جایزه اسکار بهترین فیلم غیرانگلیسی‌زبان ۲۰۱۲ را برد. اصغر فرهادی با جدایی نادر از سیمین جایگاه تثبیت‌شده‌ای در سینمای جهان یافت. فیلم مربوط به دورانی است که مخاطب بود و این نشان می‌دهد که سینما و فیلم فرهادی چه‌مره محبوب طبقه متوسط شهری بود و فیلم‌هایش در داخل و خارج با استقبال مواجه می‌شد.